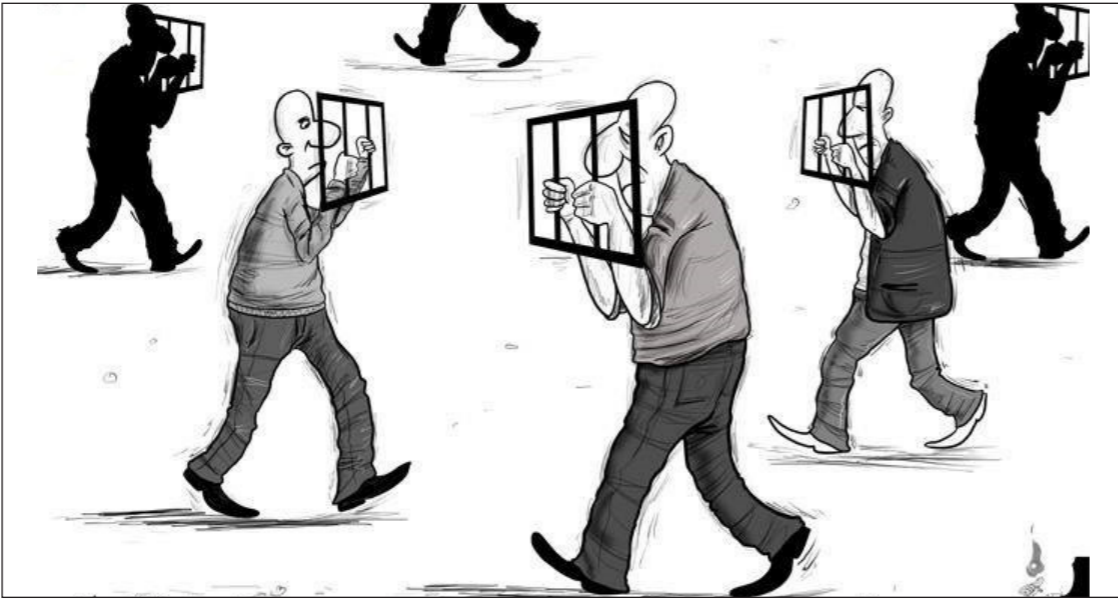


در آمدی بر مشابهت های فاشیسم کلاسیک و بنیادگرا

محمد هدایت قسمت دوم



یوسف قضاوی و علی بلحاج را می خوانم که هگی از قطبیت راه حل اسلامی سخن می گویند. به یاد ایده های جبرگرایانه مارکسیستی می افتم. بنا بر این جبراسلامی در دنیا ما همان جبر مارکسیستی است که تنها پوشش اسلامی دارد. از مجموع نظریات فوق یک نابسامانی سیاسی و اجتماعی در جهان اسلام استنباط می گردد که در عصر ظهور بنیاد گرایی داشته است. این نابسامانی ها، اما در کشوری مثل افغانستان و پاکستان که به مثابه بستر رشد جریان طالبانی قرار گرفتند و افغانستان نخستین حکومت فاشیستی مذهبی در آن برپا شد، چهره بسیار عریان تر و آشکار تری داشت.

قزاق های نظری فاشیسم کلاسیک و فاشیسم دینی

۱- خرد سستی در فاشیسم کلاسیک خردی سستی یکی از ویژگی های اصلی فاشیسم کلاسیک و نیز فاشیسم بنیادگرا است. خرد سستی در فاشیسم کلاسیک محصول تفکراتی است که به نظر می رسد برای اولین بار از نیچه شروع شد و به طور انفرادی در برابر گفتمان حاکم مدرنیته غربی و عقل گرایی آن در قامت ایدئولوژی فاشیستی بروز کرد. جریان های اصلی فاشیسم در برابری با آن عده کسانی که مدرن بر این باور بودند که دگرگونی و فهم جهان از طریق کاربست تحلیل عقلانی امکان پذیر است. اما کسانی چون نیچه توجه خود را به دیگر سلسله های انسانی، در اواخر دهه شصت میلادی و در محیط های تهنی از فرهنگ و سیاست و فرهنگ است. اما عوامل این تهنی شدن از فرهنگ و سیاست، جنبشهای چپ دهه شصت و نظریات استبدادی هستند که در یک تسلسل تاریخی در جهان اسلام حضور داشته اند. اومی گوید وقتی سیدقطب،

عصر ظهور فاشیسم بنیادگرا عصر بنیاد گرایی طالبانی نیز همان سرنوشتی را دارد که در اروپای میان دو جنگ جهانی حاکم بود. به عقیده برخی از متفکران، بحران های هویتی و سرخوردگی های ناشی از مواجهه و احساس حقارت مسلمانان در برابر غرب و شکست های پی در پی در برابر اسرائیل نقش عمده ای در افراط گرایی در جهان اسلام داشته است. هم چنین کسانی چون فوکویاما و ژیل کیل مهم ترین و ویژگی عصر برآمدن بنیاد گرایی اسلامی را بحران های هویتی در جهان اسلام و نیز در میان نسل سوم مهاجران مسلمان مقیم اروپا می دانند. هجوم و اشغال سرزمین های اسلامی، روبرویی های بی شمار میان مسلمانان و غیر مسلمانان و استعمار، از مهم ترین ویژگی های عصر برآمدن بنیادگرایی اسلامی بوده است. اولین آموزه فاشیسم اسلامی که از آموزه های اسلامی وام گرفته شده است، جهاد است. نیاز به حکم جهاد زمانی پدید آمده است که سرزمین های اسلامی به وسیله بیگانگان مورد تهاجم قرار گرفته است. همین مسأله تنها مستمسک و دلیل توجیه گرسازمان های افراطی بوده است. حتی آرای بی سابقه این تیمیه در مورد جهاد زمانی پدید آمد که سرزمین های اسلامی مورد هجوم مغولان قرار گرفت و فتاوی کسانی چون مودودی، سید قطب و حسن البنا، موقعیت مشابه را تداعی می کنند. از سوی دیگر سیستم های نالیق و نا کارآمد حکومت های مستقر در جهان اسلام نیز شرایط را برای ظهور یک پدیده عجیب و غریب آماده کرد است. شاید این موضوع زمانی بهتر درک شود که عبدالسلام فرج، فتوای این تیمیه را در مورد ششپه روی نام این مسأله اشاره کند که برخی از سرزمین ها گرچه ممکن است که در اسم به نام جزو دارالاسلام باشد ولی چون احکام اسلامی در آنجا پیاده نمی شود، به همین خاطر نه به طور کلی دارالحرب گفته می شود و نه دارالاسلام، لذا عملا در زمره دارالحرب قرار می گیرد چون با آن عده کسانی که در چنین شهرهایی زندگی می کنند ولی به اسلام عمل نمی کنند، باید جهاد ومقاتله کرد.

یکی از اندیشمندان جهان عرب می گوید: مشکل اساسی اسلام سیاسی این است که در اواخر دهه شصت میلادی و در محیط های تهنی از فرهنگ و سیاست و فرهنگ است. اما عوامل این تهنی شدن از فرهنگ و سیاست، جنبشهای چپ دهه شصت و نظریات استبدادی هستند که در یک تسلسل تاریخی در جهان اسلام حضور داشته اند. اومی گوید وقتی سیدقطب،

مدیریت آب و نیاز افغانستان به توسعه و خود کفایی

مهدی مدبر

افغانستان دارای یکی از غنی ترین منابع آبی در منطقه است، اما تاکنون از این منبع ارزشمند برای توسعه و بهبود اقتصاد کشور استفاده نشده است. عدم مدیریت منابع آبی باعث شده است که تنها از ۳۰ درصد آب کشور استفاده صورت گیرد و ۷۰ درصد دیگر جریان آزاد داشته باشد و از مرزها عبور کرده به کشورهای همسایه سرازیر شود.

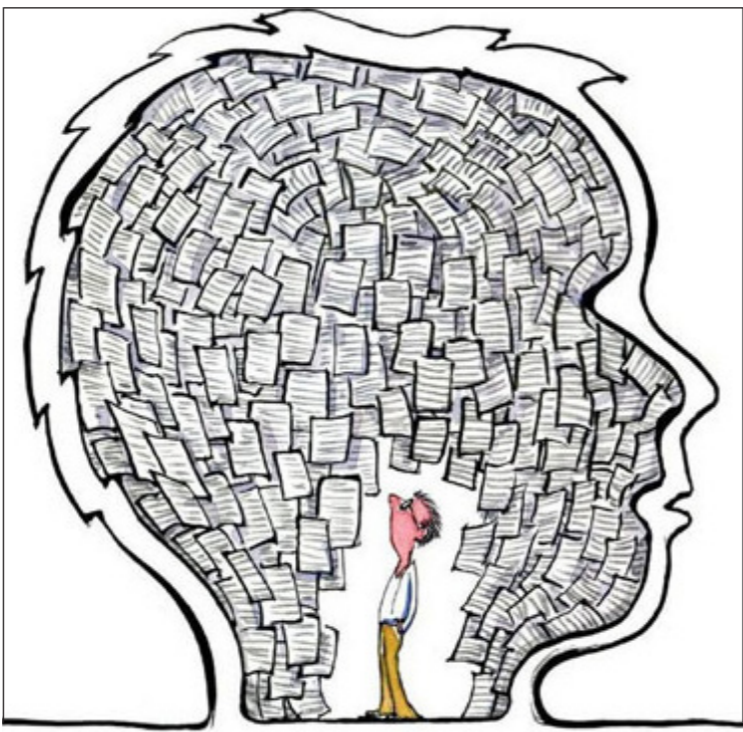
سختن رئیس جمهور غنی در چهارمین کنفرانس ملی «آب و انکشاف پایدار» نشان می دهد که دولت افغانستان مدیریت منابع آبی را برای توسعه پایدار کشور یک ضرورت می داند و طرح های برای مدیریت منابع آبی روی دست دارد. رئیس جمهور غنی در این کنفرانس گفته است که تنظیم و مدیریت درست آب، برای از بین بردن فقر، رشد زراعت و صنعت و تامین انرژی و توسعه پایدار افغانستان، نقش اساسی دارد.

روابط سیاسی افغانستان با کشورهای منطقه، همواره بر مسئله مدیریت منابع آبی سناپه افکنده است و به نظر می رسد هنوز این نگرانی موجود است. رئیس جمهور غنی با اشاره به این مسئله گفته است که توقع ما از کشورهای همسایه این است که از ایجاد بندها و شبکه های استفاده از منابع آبی نگران نباشند، بلکه از آن ها پشتیبانی کنند. رئیس جمهور تاکید کرده است تا زمانی که آب در بندها و شبکه ها نباشد، تقسیم شده نمی تواند. منابع آبی افغانستان باید طبق اصول بین المللی مدیریت شود تا منابع برای مدیریت مناسب منابع آبی افغانستان، در واقع، ایجاد مانع برای توسعه و رشد اقتصادی افغانستان است. کشورهای همسایه با درک این مسئله، باید در چارچوب قوانین بین المللی برای مدیریت منابع آبی، با حکومت افغانستان همکاری کنند. سال ها جنگ در کشور، باعث شده است که منابع آبی مدیریت درست نشود و برای توسعه و رشد اقتصادی کشور از آن استفاده صورت نگیرد. برنامه ریزی برای توسعه پایدار، خودکفایی و رشد اقتصاد کشور، یکی از نیازهای اساسی افغانستان است. در این راستا، استفاده از منابع طبیعی، از مهم ترین فاکتورها برای قرار دادن کشور در مسیر توسعه پایدار، به شمار می رود. مدیریت منابع آبی و استفاده در ست از آن، همچنان که به دلیل خشکسالی ها در تمام جهان اهمیت یافته است، برای آینده اقتصادی و توسعه افغانستان نیز اهمیت فوق العاده دارد. افغانستان یک کشور زراعتی است، اقتصاد بسیاری از خانواده ها متکی به زراعت است. خشکسالی در چند سال اخیر و عدم مدیریت منابع آبی، باعث شده است محصولات زراعتی کاهش یابد و مردم را در تنگنای اقتصادی قرار دهد. مدیریت درست منابع آبی کشور و ساختن بندها و شبکه های آبی، باعث می شود که آب مورد ضرورت برای زراعت در کشور فراهم گردد و سکون زراعت توسعه یابد، اقتصاد شهروندان بهتر شود و زمینه اشتغال در بخش زراعت و انرژی افزایش یابد.

همچنان افغانستان نیاز جدی به تامین برق و انرژی دارد. اکنون بخش بزرگ برق افغانستان وارداتی است و بیشتر ولایت ها و مناطق روستایی برق ندارند و در نتیجه از توسعه بازمانده اند. منابع آبی یکی از بهترین و قوی ترین منابع تولید انرژی در جهان است. استفاده از آب برای تولید انرژی در افغانستان یک ضرورت است. با ایجاد بندهای آبی، زمینه برای تولید انرژی در بخش های مختلف کشور فراهم می گردد. اکنون بسیاری از ولایت های افغانستان برق و انرژی مورد نیاز را ندارند و مدیریت سالم منابع آبی کشور، می تواند برق مورد نیاز آنها را تامین کند. یکی از مشکلات جدی در افغانستان، توسعه نامتوازن است. بخش های دور افتاده و روستایی کشور توسعه نیافته باقی مانده است و از حد اقلی ترین امکانات زندگی مدرن برخوردار نیستند. ایجاد بندهای آب و استفاده از آب برای تولید انرژی در ولایت ها و روستاها، زمینه را برای ایجاد کارخانه های صنعتی در این مناطق فراهم می کند و باعث خواهد شد که روند توسعه در کشور بصورت متوازن به پیش برود و فقر اقتصادی کاهش یابد.

ملاحظات در باب فلسفه معاصر اسلامی

عبدالکریم شعبانی قسمت دوم و پایانی



که ظاهرا به جایی نرسید و دردی را دوا نکرد. محمد اقبال لاهوری، متفکر معاصر جهان است. «بازگشت به قرآن» را «راه حل» می دانست. باری، مسأله رایج کنونی، نیز فراتر از این سخنان سید جمال و اقبال نیست. مسأله نظیر «اسلام و دموکراسی»، «نسبت شرق و غرب»، «نسبت علم و دین» و بسا مسأله های دیگر، که بیشتر مدافعه جوانه هستند و در بهترین حالت، می توانند جزء مسأله «کلامی» محسوب شوند. البته باید توجه داشت که به لحاظ فلسفی، این مسأله بیشتر شبهه مسأله هستند و ناشی از توهمی سنگین و پنهانی است که در عمق وجدان ما نفس می کشد. از اینها که در گذریم به چند چهره های جدیدتر می رسمیم:

۱- (عبدالرحمن بدوی: ۱۹۱۷-۲۰۰۲م). متفکر معاصر مصری، وی معتقد است که اساسی ترین مسأله ما «فهم» و «تفکر» سنت است. البته تاکید و تصریح می کند که اگر ما توان فهم سنت را نداشته باشیم هرگز قادر به نقد آن نخواهیم بود و فهم سنت فقط از رهگذر «احیای متون» امکان پذیر است. در این راستا، بدوی بسیاری از متون فلسفی اسلامی را تخصیص و چاپ کرده است، که می توان به عنوان نمونه از تصحیح بعضی از کتاب های فارابی یاد کرد.

۲- محمد ارکون: (۱۹۲۸-۲۰۱۰م). نگاه ارکون به مشکلات جهان اسلام فلسفی است. وی بر خلاف افرادی چون سید حسین نصر که نوستالژی گذشته دارند و از بازگشت به اسلام سنتی در جهان امروز سخن می گویند، ناقد سنت است. برای ارکون، سه عنصر «تفکر»، «تاریخ» و «زبان»، در فهم تاریخ تفکر در اسلام مهم هستند، و ارکون با این روش به بررسی تاریخ فکر در اسلام می پردازد. ارکون مسأله محور است و در بحث های وی، هر از گاهی به گسست ها و شکاف های تفکر اشاره می شود اما توضیح مناسبی بدانها داده نمی شود. نوشته های ارکون، یکی از ارزنده ترین تلاش های فکری در راستای فهم و نقد سنت و تفکر اسلامی است.

۳- فضل الرحمن: (۱۹۱۹-۱۹۸۸م). متفکر پاکستانی، فضل الرحمن یکی از جدی ترین

متفکران معاصر جهان اسلام است. نوشته های وی عمدتا «اسلام»، «اسلام و مدرنیته»، «نبوت در اسلام»، «وحی در اسلام»، «سنت» و مباحثی در باب قرآن است. نگاه و درک وی از سنت از جدی ترین و عمیق ترین مواجهات معاصرین ما با «سنت» است. نوشته های وی در باب این سینا، میرداماد، ملاصدرا و دیگر فلاسفه های اسلامی، قوت و تسلط بی مانند وی بر میراث عقلی اسلامی را نشان میدهد. چنین به نظر می رسد که فضل الرحمن با نوشتن آثار مفصلی در باب اسلام، در صدد طرح مسأله بوده است. در آثار وی اگر بر بحران انحطاط در فرهنگ اسلامی به وضوح تاکید نشده است، حداقل نوشته های وی، می تواند ما را در رفتن به طرف طرح مسأله، یاری فراوانی رساند.

۴- علامه طباطبایی (۱۲۸۱- ۱۳۶۰ه.ش): از علما و متفکران برجسته ای صد سال اخیر ایران. از میان آثار فراوان و ارزشمندی که ایشان نگاشته اند، یکی از مهم ترین آن ها، کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» است



روانما افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله یانگ دیدگاه روانما افغانستان می باشد.

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کارکنان: خالق علی زاده

دبیر: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وبسایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

افغانستان ما The Daily Afghanistan Ma

روزنامه

Outlook AFGHANISTAN

The Leading Independent Magazine